

انقلاب کبیر اسلامی به کلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که «روح عزت ملی» را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما می‌توانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همت‌ها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. ۹۱/۳/۱۴

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۰۶ / چهارشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۸

## رکود دولت رکود می‌آورد

**کیهان:** تا چند روز دیگر، دولت وارد هفتمین سال فعالیت خود از مجموع فرصت ۸ ساله می‌شود. واقعیت و چالش پررنگ در این چند سال، «رکودزدگی» دولت است. یک میز، حداقل چهار پایه دارد و البته در میزهای بسیار بزرگ، تعداد پایه‌ها بیشتر می‌شود تا بتواند میز را به شکل متوازن نگه دارد. مسئولیت‌ها و تکالیف دولت نیز چند بُعدی است و نمی‌توان همه مسئولیت‌های بیست و چند وزارتخانه و معاونت ریاست جمهوری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را بر دوش یک پایه، یعنی وزارت خارجه گذاشت و این وزارت را هم به نوعی منقبض کرد که صرفاً متولی توافقی پایمال شده توسط غرب باشد. برخی مدیران دولتی، پانزده ماه پس از ابطال برجام توسط طرف اصلی آن (کدخدای اروپایی‌ها به تصریح آقای روحانی)، همچنان بر سر جنازه نشسته‌اند گویا که قرار است معجزه‌ای رقم بخورد و مرده زنده شود تا پس از آن به جای همه مسئولیت‌های تدبیر و تلاش، برای اقتصاد ما معجزه کند! برجام مرده، چون قرار بود مبتنی بر تعامل دو طرفه باشد. برجام حتی اگر سفره مردم را رنگین و معیشت آنها را فراخ کرده بود - که برعکس این عمل کرده - اکنون وجود خارجی ندارد. اما برخی دولتمردان همچنان اصرار دارند ماهیت برجام را وارونه روایت کنند و بر فراز یک دوقطبی مصنوعی، موج سواری ترتیب دهند.

این هویت تک بُعدی به حدی غلیظ است که اگر برجام را (فارغ از مفید یا خسارت‌بار بودن) از کارنامه شش ساله دولت برداریم، تقریباً هیچ چیزی ته سبد باقی نمی‌ماند. این رکودزدگی حاد، پدیده‌ای کم نظیر است. آنچه به عنوان رکود تورمی به اقتصاد ما سر ریز شده، آورده همین بی‌عملی یا سوء رفتار مفرط است. به تعبیر برخی چهره‌های همسو، دولت روحانی با اعلام توافق - و نه حتی نقض و ابطال آن توسط غرب - به پایان رسید؛ چرا که برنامه و ایده دیگری نداشت. این بی‌حرکی، موجب کاهندگی و تحلیل رفتن نیروها و توانمندی‌های ملی می‌شود.

یک سال قبل، به خاطر سوء مدیریت، ۱۸ میلیارد دلار از ذخایر ارزی حیف و میل شد؛ هم ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رانت را نصیب رانت خواران ساخت و هم تورم را به زندگی مردم و فضای کسب و کار سر ریز کرد. اما برخی محافل، ضمن لوٹ کردن این خسارت بزرگ می‌گویند شد که شد، یک ریسک مدیریتی بود و نباید دست و دل مدیران ذی‌ربط را با احضار به دادگاه لرزاند(!)

## نشانه‌هایی از صدور انقلاب

**رسالت:** در سال ۵۸ و در اوج ناآرامی‌های داخلی، بی‌نظمی‌ها، نبود سازماندهی درست نیروهای نظامی، تهدید خارجی و ده‌ها مسئله و بحران دیگر، شاید خوش‌بین‌ترین تحلیلگران هم تصور نمی‌کردند که انقلاب اسلامی مردم ایران، در بهترین شرایط بتواند بقای خود را تضمین کند، اما همان‌زمان، بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، با عبور از موضوع تثبیت انقلاب، از صدور انقلاب اسلامی سخن می‌گفتند. آن مرد الهی، نه تنها از ضرورت و امکان صدور انقلاب به کشورهای دیگر سخن می‌گفت، بلکه تأکید می‌کرد که انقلاب ما تا همین جای کار هم صادر شده است.

تا امروز، یعنی تا چهل سالگی انقلاب اسلامی، کمتر سیاستمدار و دولتمردی در دنیا پیدا می‌شود که نام خمینی کبیر را نشنیده باشد، اما باور دارم روند تحولات به سمتی پیش می‌رود که در سده بیست و یکم، عموم ملت‌ها و به ویژه ملت‌های مسلمان، عمیقاً با تفکر و منش و اسلام ناب مد نظر آن عزیز سفر کرده آشنا شوند، شیوه مبارزه او را تنها نسخه نجات بخش خود بدانند و چه بسا، بسیاری از ملت‌های مسلمان، به واسطه تمسک به ریسمان الهی که او معرفی کرده، از سلطه استکبار جهانی و دست نشاندهانش نجات یابند.

اتفاقات عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، بحرین و یمن، نمونه‌هایی از صدور انقلاب اسلامی است. در نیجریه و سودان و مصر و حتی در عربستان سعودی، روز به روز بر ارادتمندان مکتب خمینی کبیر افزوده می‌شود. این فهرست، روز به روز بلندتر می‌شود، حامیان و متحدان منطقه‌ای ایران اسلامی به عنوان محور مقاومت در برابر استکبار، روز به روز هم از لحاظ کمی بیشتر و گسترده‌تر و هم از نظر کیفی، عمیق‌تر و قوی‌تر می‌شوند. این در حالی است که مثلاً شیخ زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه، تنها دو بار در جوانی با امام خمینی دیدار کرده و با دریافت نوری از پیر جماران، تا همین امروز، خود را مرید ایشان قلمداد می‌کند و برای او در نیجریه، صدها هزار و بلکه میلیون‌ها هوادار تربیت کرده است. شهید حسین بدرالدین هم که در دیدار روز گذشته هیئت انصارالله یمن، مورد تمجید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته‌اند، جریان مشابهی دارد. او در ایام حیات امام خمینی، برای آشنایی با مکتب او، به قم سفر کرد و به یکی از مریدان امام تبدیل شد. همان که جانشینانش، در ملاقات دیروز، ولایت امام خامنه‌ای را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) دانستند و مواضع حیدری و علوی معظم له را امتداد مکتب امام خمینی برشمردند. این قرن، بدون شک، قرن خمینی کبیر است.

## اقتدار در تنگه، رهایی در جبل الطارق

**جوان:** لندن در چهلمین روز توقیف نفتکش حامل سوخت ایران در جبل الطارق، سیگنال‌های سیاسی متفاوت از قبل مخابره می‌کند. اولین ساعات بامداد دیروز بود که مؤسسه رهگیری خطوط کشتیرانی «تنکر تراکرز» از ارسال سیگنال تغییر مقصد نفتکش توقیف شده ایرانی به سمت مراکش خبر داد، گزارشی که ابتدا با تردیدهایی روبه‌رو شد، اما موضع‌گیری معاون سازمان بنادر و کشتیرانی ایران نشان داد که سیگنال‌های ارسالی نفتکش گریس - ۱ با سیگنال‌های سیاسی که از لندن و تنگه جبل الطارق ارسال می‌شود، همخوان است. جلیل اسلامی، معاون دریایی سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران، از علاقه بریتانیا برای آزادسازی کشتی ایران خبر داده و گفته که «اسنادی بین دو کشور مبادله شده که به آزادسازی این کشتی کمک می‌کند.» اسلامی به جزئیات بیشتری در این باره اشاره نکرده، ولی تأکید کرده که با توجه به رایزنی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی می‌کند در آینده بسیار نزدیک نفتکش «گریس» با پرچم ایران به

فعالیت خود در آب‌های بین‌المللی ادامه دهد. سخنان این مقام ایرانی که صبح دیروز ابراز شد، گمانه‌زنی‌ها درباره آزادی نفتکش ایرانی را بیشتر کرد تا جایی که یک مقام وزارت امور خارجه انگلیس با گفتن اینکه انجام تحقیقات درباره نفتکش گریس-۱ «بر عهده دولت محلی جبل الطارق است و مقامات منطقه جبل الطارق باید در مورد آن تصمیم‌گیری کنند» اولین سیگنال‌های تغییر مسیر لندن در بحران نفتکش‌ها را به جهان خارج مخابره کرد.

ناظران می‌گویند که هزینه‌های ادامه توقیف نفتکش ایرانی برای انگلیسی‌ها در حال افزایش است، به خصوص که ایران با فاصله کوتاهی بعد از توقیف گریس-۱ نفتکش امپرو را توقیف کرد. از این گذشته دولت بوریس جانسون، نخست‌وزیر جدید بریتانیا که با چالش بزرگی مانند برگزیت دست و پنجه نرم می‌کند، به دنبال این است تا با حل مشکل توقیف نفتکش امپرو به سایر مشکلات داخلی از جمله مسئله برگزیت بپردازد. نشنال ایترست چندی قبل با اشاره به تضعیف نیروی دریایی انگلیس نوشت: «بریتانیای کبیر روزگاری نیروی دریایی شگفت‌انگیزی داشت. ناوهای جنگی آن کشور دارای اسامی‌ای مانند اولتیماتوم یا ضرب‌الاجل، شجاع و غیرقابل توصیف بودند. ناوگان دریایی بریتانیا بیش از آنکه باعث ایجاد حس غرور ملی در میان بریتانیایی‌ها شود باعث کسب اطمینان و تضمین تأمین منافع بریتانیا می‌شد».

در حالی که به نوشته نشنال ایترست، امروز ناوگان دریایی بریتانیا تنها به ۱۹ ناوگان جنگی سطحی حاضر در آب تقلیل یافته است که نیمی از آن‌ها در حال نگهداری هستند و همچنین فقط ۱۰ زیردریایی در آب فعال دارد، این نتیجه عدم سرمایه‌گذاری متناوب در حوزه دفاعی بریتانیا است. این نشریه می‌نویسد: «نتیجه این سرمایه‌گذاری ناموزون آن است که بریتانیا و سایر کشورهای غربی امروز با کمترین قابلیت و توانایی حفاظت از منافع خود مواجه هستند و تقریباً هیچ توانایی‌ای در جلوگیری از رفتار نظامی که اخیراً در خلیج فارس از سوی ایران دیده‌ایم ندارند.» نشریه آلمانی دی ولت نیز نوشته است: «پس از آنکه ایران یک تانکر نفتی انگلیسی را در خلیج فارس به فاصله چند مایل دریایی از کشتی جنگی انگلیسی ربود و آن را به بندرعباس منتقل کرد، لندن متوجه شده که تقریباً هیچ گزینه‌ای برای مقابله با ایران ندارد؛ بنابراین مهم‌ترین موضوع این است که لندن راه‌حلی پیدا کند تا وجهه خود را حفظ نماید، اما در عین حال به بحران بین‌المللی کنونی در یکی از مهم‌ترین تنگه‌های جهان بیش از پیش دامن نزند.»

#### ۴ نکته درباره «گام بزرگ» در مبارزه با فساد

**خراسان:** سرانجام در یک دستورالعمل مصوب و نهایی شده در کشور، به موضوع حمایت از افشاگران فساد و تشویق آنان پرداخته شد تا در آغاز یک حرکت بزرگ برای مقابله با فساد و البته پیشگیری از آن قرار بگیریم. این موضوع در ماده ۱۹ دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی که دیروز از سوی قوه قضاییه ابلاغ شد، مورد تاکید قرار گرفته است و مقرر شده، طی سه ماه دستورالعمل‌های مربوط تدوین شود.

این در حالی است که حدود یک سال پیش و زمانی که پیگیری‌های مکرری برای قانونی شدن حمایت از افشاگران فساد داشتیم، عمدتاً بر لزوم عزم قوه قضاییه بر این موضوع تاکید می‌شد و برخی کارشناسان، حتی، کم کاری این قوه در تدوین لوایح و تغییرات قانونی در جرم‌انگاری برخی اقدامات افشاگرانه را از موانع قانونی شدن حمایت از افشاگری فساد یا همان سوت زنی می‌دانستند. اکنون اما در نقطه‌ای قرار گرفته‌ایم که این قوه و ریاست آن پیشگام این موضوع شده است.

ایجاد بستری برای افشای فساد توسط مردم، خبرنگاران، کارمندان، نهادهای مردمی و افراد مستقل و حمایت از آن‌ها در برابر مخاطرات این اقدام، نه تنها باعث افشای بسیاری از مفاسد خرد و کلان می‌شود، بلکه، یک عامل پیشگیرانه بسیار

قوی است. در این جا بنای تفسیر این موضوع را نداریم، فقط این را فرض کنید که یک مدیر دولتی یا خصوصی در هنگام تصمیم به هر عمل مجرمانه ای، بیم آن را داشته باشد که کارمند، منشی، مشاور و حتی طرف معامله و همدست و همکار او ممکن است یک افشاگر فساد باشد. در صورت تصویب قانون حمایت از افشاگران و تشویق آن ها، افراد نه تنها ترس از توییح و اخراج و ... به دلیل افشای فساد نخواهند داشت بلکه انگیزه بالایی هم برای به نتیجه رساندن آن و دریافت پاداش مربوط خواهند داشت.

در برخی تجربیات افشاگری در خارج از کشور، موارد جالبی قابل رصد است، مثلا: برخی افراد بعد از افشاگری و دریافت پاداش مربوط، شاهد یک تحول بزرگ در زندگی مالی خود بودند. در مواردی یکی از همکاران گروه مفسد، ترجیح داده است که افشاگری کند و بعد از طی دوره محکومیت خود، از زندگی سالم با پاداش سوت زنی خود لذت برده است. در مواردی نیز گروه ها یا شرکت هایی شکل گرفته اند که کارشان کمک و ارائه مشاوره حقوقی به افشاگران برای به نتیجه رساندن گزارش خود در خصوص وقوع فساد بوده است.

### سیاست جدید ترامپ

**صبح نو:** ماه آگوست و سپتامبر، ترامپ به صورت جدی وارد فاز دیپلماسی با ایران خواهد شد. ترامپ پس از آزمایش دو فاز تحریم و نظامی که نتوانست نه تبدیل به اعتراض اجتماعی در ایران شود و نه موجب عقب نشینی ایران، در فاز جدید باردیگر به سراغ دیپلماسی خواهد رفت. دلیل آن کاملا واضح است: وارد شدن ترامپ با این وضعیت به انتخابات آمریکا دست پایین را در مقابل نامزد دموکرات ها به او خواهد داد. او نه توانسته سیاست تغییر رژیم را دنبال کند و نه توانسته آشوب اجتماعی را تولید. تهدید نظامی هم به هیچ وجه اعتباری نزد حکومت و جامعه ایران ندارد. در چنین شرایطی، با توجه به مردود شدن دیگر گزینه ها، تنها یک گزینه باقی می ماند و آن گزینه حرکت ترامپ به سوی کاهش تحریم ها در ازای مذاکره مستقیم است. ترامپ به شدت نیازمند طرف مستقیم شدن با دکتر روحانی پس از تحریم دکتر ظریف است. این گونه است که فاز جدید سیاست آمریکا در مقابل ایران متمرکز به دیپلماسی خواهد بود. از این رو، طرف آمریکایی اولاً نوعی دوقطبی کردن فضای سیاست ایران را در نظر دارد و ثانیاً در پس مذاکره مستقیم نوعی بهره برداری انتخاباتی را دنبال می کند. چنین رویکردی در پی فریب ایران و شکستن تابوی مذاکره است. ایران در این شرایط باید هم از فضای سیاست داخلی خود مراقبت کند و هم بازی محکم خود مقابل آمریکا را ادامه دهد. ترامپ ناچار به انعطاف بزرگ در مقابل ایران است.

